

نظیره‌های کردی خمسه‌ی نظامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۵

سیاوش مرشدی^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد گرگان، مرکز گمیشان

چکیده

شاعران کرد نظیره‌هایی از مثنویهای نظامی (پنج گنج) سروده‌اند. ایشان در میان آثار نظامی بیش از همه به خسرو و شیرین نظر داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از میان ۱۱ نظیره معرفی شده در این مقاله، ۶ مورد، نظیره‌ی خسرو و شیرین محسوب می‌شود. نظیره سرایان خسرو و شیرین به زبان کردی، علاوه بر تأثر از خسرو و شیرین نظامی، از منابع شفاهی یا کتبی محلی خویش تأثیر پذیرفته‌اند. در این مقاله به معرفی این نظیره‌ها پرداخته شده است و در مواردی، به موارد اختلاف این نظیره‌ها با خسرو و شیرین نظامی بیان شده است. شاعران کرد بیش از همهی مثنویهای نظامی به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند؛ چنانکه لیلی و مجنون، اسکندرنامه و نظیره‌های دیگر نظامی کمیابند؛ در حالی که خسرو و شیرین‌ها (شیرین و فرهاد)‌های کردی یا منتشر شده یا نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورهای جهان موجود است. از سوی دیگر بیشتر نظیره‌های کردی‌ای که در این مقاله معرفی شده به غیر از مَم‌آلان که احمدخانی آن داستان را از مثنویهای نظامی اقتباس نکرده بلکه تنها وزن لیلی و مجنون نظامی را به کار برده است و ساقی‌نامه‌ی همین شاعر بر اوزان غیر عروضی (اوزن هجایی) سروده شده‌اند.

کورتیه

هه‌لبه‌ستوانانی کورد له درژیایی میژووداوه‌رگپراوی به‌رهه‌مه‌کانی نیزامی-یان ئاراسته کردوو و له نیو ئه و به‌رهه‌مانه‌دا زیاتر گزنگایه‌تیان داوه به خوسره‌و و شیرین. له یازده به‌رهه‌می ناسیندراو له‌م وتاره‌دا، شه‌شیان به وه‌رگپراوی خه‌سره‌و و شیرین داده‌نرین. ئه و شاعیرانه‌ی خوسره‌و و شیرین-یان به کوردی هۆنیوه‌ته‌وه بیجگه له کاریگه‌ری وه‌رگرتن له لایهن نیزامی-یه‌وه، له ژیر کارتیکه‌ری سه‌رچاوه زاره‌کی و نووسراوه خۆجینییه‌کانی خۆیاندا بوونه. له‌م وتاره‌ی به‌رده‌ستدا سه‌رتا ئه‌م به‌رهه‌مه ویکچووانه دهناسینددری و پاشان ده‌ست ده‌خرپته سه‌ر خاله جیاوازه‌کانی ئه و به‌رهه‌مانه له‌گه‌ل ئه‌وه‌ی نیزامی‌دا. شاعیرانی کورد پتر بایه‌خیان به خوسره‌و و شیرینی-ی نیزامی داوه به چه‌شنتیک که له‌یلی و مه‌جنون، ئیسکه‌نده‌رنامه و به‌رهه‌مه هاوشنوه‌کانی تر ژماره‌یان که‌مه. ئه‌مه‌ش له کاتیکدایه که خوسره‌و و شیرینه کوردییه‌کان له کتیبخانه‌کانی ئیران و جیهاندا ژماره‌یان زۆره. هه‌روه‌هاش، به‌وه‌ده‌رئه‌نجامه ده‌گه‌یین که بیجگه له مه‌می ئالان و ساقی‌نامه دانراوه‌ی ئه‌حمه‌دی خانی که له نیزامی-ه‌وه وه‌رنه‌گیراون، سه‌رجه‌می ئه‌وانی دیکه له سه‌ر کیشی برگه‌یی دانراون.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: ویکچوووسازی، نیزامی، وه‌رگپراوه کوردییه‌کان، خوسره‌و و شیرین، کیشی برگه‌یی.

کلیدواژه‌ها: نظیره‌سازی، نظامی گنجوی، نظیره‌های کردی، خسرو و شیرین، وزن هجایی.

۱- مقدمه

در ادبیات ایران زمین، مثنویهای نظامی مورد اقبال شاعران خواه به زبان فارسی، خواه ترکی و خواه کردی قرار گرفته است. این مسئله در ادبیات سرزمینهای همسایه نیز صدق می‌کند (در زبانهای فارسی، ترکی، اردو، کردی و...). در زبان کردی، هرچند به اندازه‌ی زبانهای فارسی و ترکی نظیره نداریم، ولی شاعران کرد نیز به این اقدام دست زدند و از این میان، بیشتر به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند، به ویژه شاعران گویشهای جنوبی کردی که مسلماً علاوه بر روایت نظامی از مجموعه‌ی روایت‌های عامیانه آگاه بوده‌اند؛ به ویژه در کرمانشاه و به طور خاص در بیستون در شرق کرمانشاه و قصر شیرین که کاخ شیرین بوده، در غرب این استان که زادگاه، جای زندگی، عاشقی و مرگ فرهاد تصور می‌شده و این اندیشه هنوز هم به قوت خود باقی است. دلیل دیگری که باعث توجه سراینده‌گان کرد به مثنویهای نظامی است جدا از دلیل اصلی آن؛ یعنی: شاهکار بودن مثنویهای نظامی و پیشرو بودن نظامی‌گرد بودن مادر نظامی است که در چند جا به آن اشاره کرده است. برخی از نویسندگان پدر نظامی را نیز از تبار کرد دانسته‌اند، ولی دلیل قابل اتکایی برای اثبات این موضوع نداریم، چرا که نظامی به هیچ وجه به کرد بودن پدر خود اشاره نکرده است و اگر پدر او نیز کرد بود حتماً به این مسئله اشاره می‌کرد (زرین کوب ۱۳۸۳: ۱۵). در این مقاله به معرفی نظیره‌های کردی از داستان خسرو و شیرین نظامی می‌پردازیم و در مواردی، به موارد اختلاف این نظیره‌ها با خسرو و شیرین نظامی بیان شده است.

۲- بررسی نظیره‌های کردی داستان خسرو و شیرین

۱) خسرو و شیرین اثر خانای قبادی / خانای قبادی (۱۱۶۸-۱۰۸۳ ه. ق.) دربر دارنده‌ی ۵۶۰۹ بیت ده‌هجایی است که آن را در سال ۱۱۵۳ ه. ق. پس از اتمام سرایش اسکندرنامه و یوسف و زلیخا سرود (صفی زاده‌ی بورکه‌ی، ۱۳۸۰: ۴۲۲) برگردان فارسی بخش آغازین این منظومه: روز دوشنبه از ذی الحججه [ماه] حرام، سال هزار و یکصد و پنجاه و سه تمام شده بود که ناگاه... در پرده‌ی اسرار، از محل لامکان، سروش اینطور به گوشم رساند و این چنین گفت: «ای شاعر خوش‌نظم و خوش شیوه که جانشین قیسی که دیوانه‌ی لیلی بود! چه می‌شود که چون نظامی

دُر سنج با لفظ شیرین، با عشوه و ناز از وصف فرهاد و شیرین و پرویز خامه‌ی
عنبرین را به رقص آوری؟»

به روشنی شاعر به نظامی و برخی شخصیت‌های داستانی او (قیس، لیلی، فرهاد،
شیرین و پرویز) اشاره کرده.

در سرآغاز داستان چندین بار به نظامی و آثار او اشاره کرده:

ئینانه واتم ئه‌شرار و ئه‌برار نزامی واتن مخزن الاسرار
(خانای قبادی، ۱۳۶۹: ۱۵)

در بیت بالا، خانای قبادی در برابر نظامی اظهار تواضع و کوچکی می‌کند و اثر
خود را در برابر مخزن الاسرار نظامی که سراسر حکمت و اشعار نغز است «اشرار و
ابرار» (غث و سمین) می‌خواند.

گا چۆ نزامی، گا چۆ مه‌وله‌وی مه‌هللات بۆ موشک خه‌تتات خه‌ت شیرین
گا وینه‌ی باقی شوعه‌رای دیهله‌وی مه‌که‌رۆ جه وه‌سف ختم المرسلین
مه‌هللات بۆ موشک خه‌تتات خه‌ت شیرین مه‌که‌رۆ جه وه‌سف ختم المرسلین
(همان: ۱۷)

وینه‌ی نزامی سه‌یقه‌ل دهر زه‌ینم به سورمه‌ی دانش ره‌وشه‌ن که‌ر عه‌ینم
(همان: ۲۰)

یعنی: چون نظامی ذهنم را صیقل بده و با سرمه‌ی دانش چشمم را روشن کن.
در جای دیگر از خدا می‌خواهد که این منظومه را «به دستور نظم نظامی تمام»
کند (همان: ۲۱)

با خواندن این منظومه در می‌یابیم که خانای قبادی در سرایش آن، گونه‌ی
برگردان هنری داستان خسرو و شیرین نظامی را انجام داده، و بر عکس نظیره‌گویان
دیگر خسرو و شیرین به زبان کردی؛ مانند: ملا ولد خان گوران و میرزا شفیع پاره
یی که روایت‌های عامیانه‌ی منطقه‌ی خود را مدّ نظر قرار دادند خانای قبادی خسرو و
شیرین نظامی را با تغییرهای جزئی به کردی گورانی کلهری به صورت منظومه‌ای
هجایی ترجمان کرده، البته این مسئله از ارزش کار هنری سراینده نمی‌کاهد و یکی از
زیباترین نظیره‌های آثار نظامی به شمار می‌رود.

شاعر (خانای قبادی) جلوتر اشاره می‌کند که این نامه را (= منظومه‌ی خسرو و
شیرین) را به «دستور» (فرمان یا راه و رسم) نظامی سروده است:

بهی تهوره که‌ردم ئی نامه نامی ئینشا به ده‌ستور نه‌زم نیزامی
(همان: ۱/۲۵۰)

یعنی: اینطور این نامه‌ی نامی را به دستور (شیوه یا فرمان) نظامی [گنجوی] انشا کردم.

۲) شیرین و فرهاد منظومه ای سروده‌ی ملا ولد خان گوران به زبان گُردی، گویش گورانی است که آن را در سال ۱۱۵۰ ه. ق. سرود. این منظومه مانند منظومه خسرو و شیرین خانای قبادی به وزن هجایی (ده یازده هجایی) است. یکی از زیباترین بخشهای این منظومه (البته به این مسئله باید توجه کنیم که در شیرین و فرهاد میرزا شفیع نیز مشابه بیت‌های این بخش وجود دارد)، زمانی است که فرهاد پس از اینکه پیرزن به دروغ خبر مرگ شیرین را می‌دهد، خود را کشته است و شیرین بالای سر جنازه‌ی فرهاد می‌رود و این سخنان شورانگیز و غم‌افزا را در آنجا می‌گوید:

| | |
|--|--|
| دهم نیا نه جای زام سه‌خته‌وه | دهم نیا نه جای زام سه‌خته‌وه |
| شیرین که ناما، دی فرهاد وهی رهنگ | شیرین که ناما، دی فرهاد وهی رهنگ |
| دهم نیا وه زام قوله‌نگ تی‌شه‌وه | دهم نیا وه زام قوله‌نگ تی‌شه‌وه |
| یه‌ک سیاخالئی نه رپوی غه‌بغه‌وه داشت | یه‌ک سیاخالئی نه رپوی غه‌بغه‌وه داشت |
| دهس برد پهری زنج زه‌نخدان زه‌رد | دهس برد پهری زنج زه‌نخدان زه‌رد |
| واتش: «ئه‌ر زینه‌ت جام جه‌مینهن | واتش: «ئه‌ر زینه‌ت جام جه‌مینهن |
| سه‌رت هورداره ئه‌من شیرینم | سه‌رت هورداره ئه‌من شیرینم |
| جه دم‌ای فرهاد وهی چینن حالم | جه دم‌ای فرهاد وهی چینن حالم |
| پهری کی بدهم ته‌رتیب خالان؟ | پهری کی بدهم ته‌رتیب خالان؟ |
| من که فرهاد دیم نه گیژاو خون | من که فرهاد دیم نه گیژاو خون |
| بهی ته‌ورپه‌ی فرهاد شین و زاری که‌رد | بهی ته‌ورپه‌ی فرهاد شین و زاری که‌رد |
| پرشنگ هوناو سورخ خاسه‌رنگ | پرشنگ هوناو سورخ خاسه‌رنگ |
| یه‌قه‌ی به‌قیه‌دوز پاره پاره که‌رد | یه‌قه‌ی به‌قیه‌دوز پاره پاره که‌رد |
| واتش: «هه‌ی غه‌ریب! بی‌خی‌ش و بی‌فهرد! | واتش: «هه‌ی غه‌ریب! بی‌خی‌ش و بی‌فهرد! |
| ئه‌ری نه‌تیجه‌ی خاقان چینی! | ئه‌ری نه‌تیجه‌ی خاقان چینی! |
| بی ناو و نشان! خه‌ل‌تان خونم! | بی ناو و نشان! خه‌ل‌تان خونم! |

فیدای نامت بام دلدار دیرین! ویت نیای نه پای شوم بهخت شین!
 شازادهی چینم! بیدادم پهی تو سهد گیان شیرین وه قوربانت بو!
 یه کام کافر بی دام نه راگت که‌ند؟! یه پهی چی کارت وه نیم چل مهنده؟!
 مهر تو نه‌زانی خه‌سره به نه‌فسوون هانه قه‌سد تو که‌روّت سه‌رنگون
 مهرگ پهی من خاسهن، هاواراز دهردم! وا نه زید ویت ئاوارهت که‌ردم
 تو پهی من نه ته‌خت شایی ویه‌ردی تو پهی من راگهی بیستون که‌ردی
 یه شهرت من بی چهنی تو فیه‌هاد چهنی دمای تو نه‌نیشووم وه شاد
 شهرت بو ره‌خت ویم پاره پلاس که‌م شهرت بو ویم به تیخ نه‌لماس خه‌لاس که‌م
 یکی از تفاوت‌هایی که این نظیره و بسیاری از نظیره‌های کردی خسرو و شیرین
 با اثر ماندگار نظامی دارد، این است که در این منظومه‌ها فرهاد شازادهی چین
 معرفی شده که برای خاطر عشق شیرین به سنگ تراشی پرداخته است. البته به
 روایت نظامی از زبان شاپور- فرهاد با او در چین سنگ تراشی می کردند، ولی
 او (شاپور) پس از مدتی نقاشی را پیشه‌ی کرده، و فرهاد همان پیشه‌ی پیشین خود
 (سنگ تراشی) را ادامه داده است: «که ما هر دو به چین هم‌زاد بودیم/ دو شاگرد
 یکی استاد بودیم چو هر مایه که بود از پیشه برداشت/ قلم بر من فکند، او تیشه
 برداشت» (نظامی، ۱۳۸۵: ۴ ۲۱۳)

۳) خسرو و شیرین ملکه مراد ویس (شاعر سده‌ی سیزدهم) اهل ده صفی آباد از
 توابع جوانرود. او این منظومه‌ی خود را به شیوه‌ی خسرو و شیرین خانای قبادی/
 خانای پاشای قبادی سرود که در گونه‌ی خود یکی از شاهکارهای ادبی جهان است.
 (صفی زاده‌ی بورکه‌ی بی، ۱۳۸۰: ۱۰۷۵)

دو بیت از این منظومه:

ههنی نه‌واچان وه فرهاد پهندهن نه‌قش شیرینش نه‌رووی سه‌نگ که‌ندهن
 [دیگر نگویند فرهاد رند است/ نقش شیرین را بر روی سنگ کنده است]
 ده‌سته‌ش بریز وه‌ره جه گیان سه‌ندهن کی نه‌لماس نه‌رووی دیده‌ی ویش شه‌ندهن
 [دستانش بریزد برای کاری که کرده است/ چه کسی الماس بر روی دیده‌ی خود
 می زند؟! (همان)]

۴) شیرین و فه‌ره‌اد [= شیرین و فرهاد] سروده‌ی میرزا شفیع پاوه‌ی بی (۱۲۵۲
 ۱۲۰۰ ه. ق.) از شاعران خوش ذوق کرد هورامی است. این منظومه را سید محمد

حسینی در انتشارات توکلی تهران در سال ۱۳۸۳ خ. در ۹۳ ص (+ دوازده صفحه پیشگفتار) تصحیح و بازنویسی کرده است.

میرزا شفیع پاوه‌یی این منظومه را به زبان هورامی در وزن غیر عروضی (هجایی) و ده هجایی سروده است و تعداد بیت‌های آن ۶۹۹ بیت است. خود شاعر سال سرایش این منظومه را در پایان آن سال ۱۱۸۴ ه. ق. معرفی کرده است:

تاریخ گوفتار به‌نده‌ی مهینه‌ت بار هزار و یه‌ک سه‌د، هه‌شتاد و چه‌هار

(پاوه‌یی، ۱۳۸۳: ۹۲)

شاعر در این اثر بی‌هیچ‌گمانی به خسرو و شیرین نظامی نظر داشته و با موفقیت، این شاهکار نظامی را بازسرای و برگردان کرده است. (پاوه‌یی، ۱۳۸۳: دو) علاوه بر این، فرهنگ عامه‌ی گردی نیز در روایت این داستان تأثیرگذار بوده است (همان: دو). باید توجه داشت که میرزا شفیع پاوه‌یی در این منظومه بیشتر به روایت‌های عامیانه‌ی فرهاد و شیرین در منطقه‌ی غرب ایران (هورامانات) توجه داشته و شخصیت محوری در داستان او فرهاد است که تا نیمه‌ی داستان (تا حدود بیت ۳۲۵) بیشترین نقش را در شکل‌گیری داستان دارد و با خودکشی فرهاد این بخش به پایان می‌رسد. نکته‌ی جالب اینجاست که پس از اینکه فرهاد خودش را با کلنگ ده منی می‌کشد، از خون او که از تیشه‌اش سرازیر شده، درخت اناری روید که چندین سال میوه می‌داد و بیماران را شفا می‌بخشید. این روایت به روایت کشته شدن سیاوش شبیه است که از خون او گیاه خون‌سیاوشان می‌روید (فردوسی، ۱۳۸۲: ۱۵۲/۳، ح. ۲۰).

منظومه با این بیت آغاز می‌شود:

رؤزگارن داد، رؤزگارن داد ویم‌په‌ی ویه‌رده‌ی رؤزگارن داد

(همان: ۳)

شاعر علاوه بر زبان گردی، به فارسی نیز شعر گفته (همان: ده)

این منظومه‌ی میرزا شفیع پاوه‌یی را بسیاری از مردم دوست داشتند، و یکی از نشانه‌های این مسئله شایع بودن و مثل شدن مصراعها و بیت‌هایی از آن در زبان مردم کرد ایران و به احتمال زیاد، آن سوی مرز است و این نشانه‌ی موفقیت شاعر و نفوذ او در بین مردم بوده است.

(۵) شیرین و فرهاد اثر میرزا الماس‌خان کندوله‌ای (د. ۱۲۰۰/۱۱۹۰ ه. ق.)، از

سرداران نادر شاه. او این منظومه را در وزن هجایی (ده هجایی) سروده است. در این منظومه روایتها و بخشهایی وجود دارد که با خسرو و شیرین نظامی مغایرت دارد؛ مانند: «عاشق شدن شیرین به فرهاد و فرستادن شاپور از پی ایشان» (کندوله بی، ا. ۱، ۱۳۷۳، ۵۲)، «آوردن شاپور فرهاد را به خدمت شیرین» (همان: ۵۵)، «جواب دادن فرهاد در خدمت شیرین» (۵۷)، «صورت خود نشان دادن شیرین به فرهاد»، «نصیحت نمودن شیرین به شاپور و سپردن فرهاد به شاپور: (۶۱)، «آمدن عیاران فغفور به وستان [= طاق بستان] و پیدا نمودن فرهاد و شاپور» (۶۲)، «آمدن ایلخچیان فرهاد و چگونگی آن» (۶۳)، «اظهار عاشق شدن شیرین به فرهاد نزد خسرو» (۶۶)، «گفتگو [ی]... فرهاد با کوه بیستون» (۷۴)، «جواب دادن کوه بیستون فرهاد را» (۷۵)، «گفتگو نمودن فرهاد با قلنگ [= کلنگ]» (۷۷)، «جواب دادن قلنگ فرهاد را» (۷۸)، «تدارک دیدن شیرین به سرکشی فرهاد» (۸۱)، «آمدن شیرین در پای کوه بیستون به دیدن فرهاد» (۸۵)، «بنا به عیش نوش گذاشتن شیرین و فرهاد» (۹۴)، «بیدار شدن گرا از خواب و سر راه گرفتن بر فرهاد و شیرین» (۹۸)، «شناختن گرا شیرین و فرهاد را و دعوا نمودن او» (۱۰۲) «گفتگو [ی]... شیرین با گرای سیاه رنگ» (۱۰۹)، «روانه شدن فرهاد به قصر شیرین» (۱۱۴)، «آمدن اغیار به خدمت خسرو در باب فرهاد» (۱۱۶) «خواب دیدن فرهاد خود را در میان خاک و خون» (۱۳۵)، «آمدن شیرین بر سر نعش فرهاد» (۱۳۹) «وفات نمودن فرهاد و زاری کردن شیرین بر سر نعش او» (۱۴۲)، «قبر کردن شاپور برای فرهاد» (۱۴۴)، «اراده‌ی عازم شدن شاپور برای شهر چین» (۱۴۵)، «حکایت شیرین در نزد خسرو و دعوا نمودن» (۱۴۷)، «رسیدن شاپور به شهر چین و خبر دادن فوت فرهاد به فغفور [و بیان جزئیات حادثه]» (۱۴۹).

یکی از دیگر از تفاوت‌های این منظومه با خسرو و شیرین نظامی، مهلت دادن چهل روزه به شیرین برای ازدواج پس از کشتن خسرو است (همان: ۱۹۹) که به این صورت در خسرو و شیرین نظامی نیامده است. تفاوت دیگر، در بخش «رفتن شیرو از عشق شیرین به کوه و قصد خود نمودن [= خودکوشی] در تاش کوه» (۲۳۲) است و اینکه شیرو خودش را می‌کشد که این روایت نیز در نظامی نیامده است. ۶ شیرین و فرهاد از شاعری که گویا نامش «الماس» است که در پایان منظومه به نام خود اشاره کرده است.. این منظومه را به زبان کردی، به یکی از گویشهای

جنوبی سروده است. وزن این منظومه هجایی (ده هجایی) است. نسخه ای از آن در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (به شماره‌ی ۴۷۷۲) موجود است و نسخه ای دیگر از همین منظومه با شماره‌ی ۵۸۰ در کتابخانه‌ی مجلس موجود است که ۱۱۰ برگ دارد. نسخه‌ی دانشگاه تهران که بر خلاف نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس آغازش حذف نشده با این بیتها آغاز می شود:

که‌ریم کارساز، کاربه‌دست ناسان شاه ر‌ه‌زای شهریف، ر‌ه‌به‌ر شناسان
ببه‌ر عشق مونشی عاشقان بی‌ش دل‌دار در دین، دهر‌ویش دل‌پیش
و با این بیتها پایان می پذیرد:

ر‌هنجمان مه‌دهن دیداد با جوش «ئه‌لماس» ژه خاتر مه‌که‌ر فراموش
یه واته «ئه‌لماس» دهرد دل نه بار بی شادی شه‌وان یاوه‌ران یار
هه‌زاران دروود هه‌زاران سه‌لام «ز ما بر محمد علیه السلام»
نسخه‌ی دانشگاه تهران به نستعلیق شکسته کتابت شده و بسیاری از بیتها ناخوانا است، به ویژه که افسوس، مرکب برخی از بیتها مغشوش گشته، اما نسخه‌ی متعلق به کتابخانه‌ی مجلس (شماره‌ی ۵۸۰) بسیار خوانا و به خط نستعلیق بسیار زیبا کتابت شده است.

۷) لیلی و مجنون اثر خانای قبادی / خان پاشای قبادی (۱۱۶۸-۱۰۸۳ ه. ق.) از مردمان شهر جوانرود در شمال باختری شهر کرمانشاه، در بر دارنده‌ی ۱۶۵۸ بیت ده هجایی که آن را در سال ۱۱۵۴ هجری به رشته‌ی نظم کشید. علاوه بر او عده‌ای دیگر از شاعران گُرد به گویش‌های سورانی و لکی نظیره‌های لیلی و مجنون نظامی را سروده‌اند ولی منظومه‌ی خانای قبادی از همه‌ی آن شیواتر و بلیغ‌تر است (صفی زاده بورکه‌یی، ۱۳۸۰: ۸۴-۸۸).

۸) لیلی و مجنون شیخ احمد بن الیاس ملقب به «خانی» (احمد خانی) که در سال ۱۰۶۱ در بایزید (جنوب خاوری ترکیه امروزی و نزدیک وان) زاده شد. او علاوه بر لیلی و مجنون، منظومه‌های مَم و زین و یوسف و زلیخارا به نظم در آورد.

۹) مَم و زین اثر شیخ احمد بن الیاس خانی (احمدخانی) (شاعر سده‌ی هفدهم م. / یازدهم ه. که داستانی کهن در نوع حماسی عاشقانه با مایه‌ی تراژیک از ادبیات کردی است. او این منظومه را در ۲۶۵۵ بیت سرود که به شرح دل‌دادگی مَم (محمد) و زین (زینت) می پردازد. اگرچه سراینده داستانی از حماسه‌های کهن عاشقانه‌ی

کُرد (مربوط به سده های ۱۴ و ۱۵ م.) را به نظم در آورده (شالیان، ۱۳۸۵: ۶۴۳) و اثر او نظیره‌ی لیلی و مجنون نظامی محسوب نمی‌شود، ولی وزن این منظومه را از لیلی و مجنون گرفته؛ یعنی: وزن «مفعول مفاعیلن فعولن» (هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف). بی‌هیچ گمانی، میان این افسانه‌ی کهن کردی و لیلی و مجنون نظامی شباهتهایی وجود دارد، اینکه در هر دو منظومه، ماجرای دو دل‌داده توصیف شده است که سوء تفاهم باعث می‌شود دل‌دادگان به وصال یکدیگر نرسند و با روی دادن فاجعه، یعنی کشته شدن مم و زینت داستان پایان می‌پذیرد. از این رو شاعر وزنی را برگزیده که نظامی چندین سده پیش از او، آن را برای چنین داستانهایی (داستانهای تراژیک عاشقانه) برگزیده بوده.

بیت نخست این منظومه این است:

سه‌نامه‌ی نامه به نام نه‌للاه بی‌ نام ته ناته‌مامه، وه‌للاه!

(خوانی، ۱۹۶۲: ۱۷)

۱۰) اسکندرنامه اثر خانای قبادی / خانای قبادی. (نک. صفی زاده

بورکه‌یی، ۱۳۸۰: ۴۲۲)

۱۱) ساقی نامه‌ها. می‌دانیم که اگرچه نظامی آغازگر ساقی نامه سرایی نبوده، و ساقی نامه در واقع شاخه‌ای از «خمریه نامه»ها است که کهن‌ترین نمونه‌های این نوع فرعی را در خمریه‌ی رودکی و بشار مرغزی می‌توان یافت و اینکه پس از آن نیز می‌توان گفت فخرالدین اسدگرگانی (در ویس و رامین) نخستین بار ساقی نامه سرایی را در ادبیات فارسی آغاز کرد (انوشه، ۱۳۸۱: «ساقی نامه»)، بی‌هیچ گمان، نظامی در شرف نامه (بخش نخست از اسکندرنامه) یکی از بهترین نمونه‌های این نوع فرعی را در ادبیات فارسی پدید آورد. نظامی در مجموع ۵۵ ساقی نامه دو بیتی در این منظومه سروده است.

از شاعران کُرد ایران زمین ملاپیشان دینوری (۸۲۵ هـ. ق.) ساقی‌نامه‌ای دارد که در میان مردم مقبولیت بسیار دارد. ساقی نامه در دیوان ملاپیشان موجود است. از دیوان او (پرشان نامه) در کتابخانه‌ی دایره‌المعارف اسلامی، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، مجلس، مرعشی نجفی، گلپایگانی قم، آستان حضرت معصومه (س) نسخه یا نسخه‌هایی نگهداری می‌شود.

در این ساقی‌نامه‌ی کردی، به گویش جنوبی (گویش کردی دینور و منطقه‌ی بیله

وار)، تأثیر ساقی‌نامه‌ی حافظ و برخی مضمونهای غزل‌های این «رند عالم سوز» بر این ساقی‌نامه شاید حتی بیشتر از ساقی‌نامه‌های اسکندرنامه (شرف‌نامه) نظامی است.

از دیگر شاعرانی که ساقی‌نامه سروده شیخ احمد بن الیاس (احمد خوانی) است که آن را به گویش کردی کرمانجی (شمالی) سروده است. او ساقی‌نامه‌ی خویش را به یکی از اوزان عروضی (هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف: مفعول مفاعل فاعولن/ وزن لیلی و مجنون نظامی) آفریده است. نمونه از ساقی‌نامه‌ی او را در ذیل می‌آوریم:

«ساقی تو ژه بو خودی که‌رم که‌ر یه‌ک جورعه‌ی مه‌ی د جام جم که‌ر
 (ساقی! تو را به خدا کرمی کن / و یک جرعه از جام جم به من بده)
 دا جام به مه‌ی جه‌هان نوما بیت هه‌ر چی مه‌ی نیراده‌یه خویا بیت
 (جامی که جهان‌نما باشد / و [هر اندازه] اراده کنم ظاهر شود)
 به‌ختی مه‌ی ژ بو مه‌ی را بیت یار جاره‌ک بیتن ژ خاب هوشیار
 (تا بخت با من یار شود / و از خواب [غفلت] هوشیار گردم)»

(صافی زاده‌ی بورکه‌بی، ۱۳۸۰: ۶۰۸۹)

البته بخش قابل توجهی از منظومه‌های ساقی‌نامه‌ی کردی به وزن عروضی سروده نشده و نمی‌شود، بلکه بیشتر بر وزن هجایی (ده هجایی) آفریده شده و امروزه نیز خلق می‌شوند (نک. همان: ۵۰۷: «ساقی‌نامه»)

۱۳) هفت‌پیکر نظامی گویا زیاد توجه شاعران کرد را به خود جلب نکرده، اما در شاهنامه‌های کردی داستان بهرام روایت شده است. یکی از روایتها که در زیر نقل می‌شود، اشاره به یافته شدن خانه‌ای شگفت که احتمالاً اشاره به همان تالاری دارد که بهرام در آن نگاره‌های هفت دختر هفت اقلیم را در آنجا می‌یابد:

«بنابه روایت شاهنامه‌ی کردی، بهرام گور فرزند یزدگرد بزهکار است و پس از مرگ پدرش بر تخت اورنگ شهریارای ایران نشست و او بیشتر اوقاتش را در شکارگاهها می‌گذرانید و گور شکار می‌کرد. روزی در شکارگاه دهقانی به دیدارش آمد و گفت که در کشتزارش حفره‌ای به وجود آمده و همه‌ی آبها را می‌بلعد و گویا در آنجا گنجی پنهان است. بهرام گور دستور داد محل ... را کنند و دیدند در زیرزمین خانه‌ای به سان بهشت [وجود دارد]» (همان: ۲۴۲)

چنانکه در موارد بالا دیده می‌شود، شاعران کُرد، به ویژه کردهای استان کرمانشاه بیشتر از همه‌ی داستانهایی که نظامی به نظم در آورده، به خسرو و شیرین نظر داشته‌اند، با این تفاوت که در روایت ایشان علاوه بر تأثیر پذیری از نظامی، روایت‌های عامیانه و شفاهی منطقه‌ی کرمانشاهان بر ایشان تأثیر گذاشته است، دیگر اینکه در منظومه‌های ایشان نقش شخصیت فرهاد پررنگ تر است و عشق فرهاد و شیرین عشق واقعی توصیف شده است، نه عشق خسرو و شیرین.

۳- نتیجه‌گیری

برخی از شاعران کُرد زبان همچون شاعران در زبان فارسی، ترکی، پشتو، عربی و... به پنج گنج (خمس‌ه نظامی) توجه داشته‌اند. بی‌گمان این مسئله (توجه شاعران اقوام، ملت‌ها، خرده فرهنگها و فرهنگهای گوناگون به نظامی) نشانی از اهمیت این شاعر بزرگ ایرانی دارد. در میان پنج منظومه‌ی حماسی، شاعران کُرد بیشتر به خسرو و شیرین توجه داشته‌اند و بیشتر نظیره‌های ایشان، چنانکه در بالا ملاحظه می‌شود، نظیره‌های خسرو و شیرین محسوب می‌شوند. علت اینکه شاعران کُرد به این منظومه نظامی بیشتر از منظومه‌های دیگر توجه داشته‌اند و نظیره‌های آن را سروده‌اند، وجود منطقه‌ی تاریخی فرهنگی بیستون و قصر شیرین در کردستان بوده که حاکی از حضور همیشه گرم جریان دلدادگی فرهاد و شیرین در طول قرون متمادی تاریخ، در میان این مردم است. نقل‌های شفاهی و گفتارهای مکتوب از داستان عشق شیرین و فرهاد، و خسرو و شیرین پس از دوره‌ی نظامی، و بی‌گمان پیش از او، در میان این مردم و تأثیر فرهنگ و ارزشهای خاص و معنوی این خطه بر روایت آن، داستان را به گونه‌ای گاه متفاوت نشان داده است تا جایی که نظیره‌های کُردی دارای داستانهای فرعی و بن‌مایه‌هایی هستند که آنها را در خسرو و شیرین نظامی نمی‌یابیم، در این میان می‌توان به اهمیت عشق فرهاد و شخصیت او در نگاه شاعران کُرد در نظیره‌هایشان اشاره کرد.

از میان مثنویهای دیگر نظامی، نظیره‌هایی از لیلی و مجنون و اسکندر نامه به زبان کُردی سروده شده، که هیچکدام مشهوریت و مقبولیت مثنوی خسرو و شیرین را در این زبان پیدا نکرده است. گویا شاعران کُرد با اسنادی که تا کنون در دست نگارنده است به مخزن الاسرار و هفت پیکر / بهرام نامه نظامی چندان توجهی نداشته‌اند

و نظیره‌های این دو منظومه را سروده‌اند. آثاری هم که به زبان کردی مربوط به روایت‌های پادشاهی و داستان‌های دوران بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی) دیده می‌شود، متأثر از شاهنامه‌های کُردی و شاهنامه‌ی فردوسی بوده است (نک. ش. ۱۳. همین مقاله)

از میان شاعران کرد خانای قبادی سه مثنوی نظامی را (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و اسکندرنامه) را نظیره گفته است؛ از اینرو می‌توان او را بزرگ‌ترین نظیره‌گوی آثار نظامی گنجوی در زبان کردی دانست.

بیشتر این منظومه‌ها (شاید به جرأت بتوانیم همگی این منظومه‌های، زیرا منظومه‌ی مم و زین نیز در واقع نظیره‌ی لیلی و مجنون نظامی نیست و تنها وزن را از این منظومه‌ی نظامی اقتباس کرده) بر وزن هجایی اند که شعرهای کردی (به ویژه در منطقه‌ی کرمانشاهان: گویش کرمانجی جنوب) بیشتر به این وزن سروده می‌شود. این وزن از وزن‌های کهن زبان‌های ایرانی (از دوران پیش از اسلام) است. چنانکه می‌دانیم بخش‌های کهن اوستا (گاهان و یشتها) هم به وزن هجایی سروده شده‌اند. در دوره‌ی پارسی میانه هم، شعرها بر وزن هجایی (از ۵ هجایی تا ۱۱ هجایی) سروده می‌شده که بیشتر شماره‌ی هجاها در هر مصراع آن اشعار تغییر ایجاد می‌شده است. البته در دوره‌ی نو (پس از اسلام) همگی شعرهای کردی، در همگی گویشها، به وزن‌های هجایی سروده نشده، ولی بیشتر شعرهای کردی، به ویژه در گویشهای گورانی و گویشهای دیگر استان کرمانشاه و مناطق مجاور آن، متمایل به وزن هجایی بودند و هستند. این وزن در زبان کردی چنانکه ملاحظه شد از وزن شعرهای زبان‌های ایرانی پیش از اسلام (گویشهای شمال غربی / مادی میانه) گرفته شده، اگرچه شاعرانی هم، به ویژه در دوره‌های متأخر، در حوزه‌ی ادبیات حضور داشتند که هم به وزن هجایی شعر سروده‌اند و هم به وزن عروضی. کهن‌ترین اینگونه شعرها در کردی در اشعار بزرگان یارسان (اهل حق) امروزه موجود است (در آثار منسوب به پهلول ماهی، بابا لره لرستانی، بارجب لرستانی، و...).

بی‌نوشت‌ها

۱. درباره‌ی نظیره‌ها و آثاری که به تقلید و وزن خمسه‌ی نظامی سروده شده، نک. رادفر، ا.، ۱۳۷۱، ۳۶، ۲۰۵. احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۴۶۷.
۲. از جمله: «گر مادر من رئیسه‌ی کُرد/ مادر صفتانه پیش من مُرد/ از لابه‌گری که را کنم یاد؟! / تا پیش من آردش به فریاد» (نظامی، ۱۳۸۵: ۳۷۸۹)
۳. این منظومه را قادر فتّاحی قاضی تدوین و گردآوری و در سال ۱۳۸۴ از سوی دانشگاه تبریز چاپ کرد.
۴. اشاره به امیر خسرو دهلوی، از بزرگ‌ترین نظیره‌گویان نظامی دارد و شاید اشاره‌ی دوری به حسن غزنوی هم داشته باشد.
۵. دستور: شیوه، روش، سبک و سیاق.
۶. شیرین وقتی فرهاد را اینگونه غرقه به خون می‌بیند، ساعتی حیران به نقش سنگها نگاه می‌کند و چهره اش را به تیشه‌ی کلنگ او نزدیک می‌کند و روی خورش را به روی فرهاد می‌مالد. شیرین به زنخدان خویش دست برد و آن خال روی غبغش را می‌کند و فیروزه‌ی بی‌گرد بی‌مثال خود را بر کند و [روی به پیکر فرهاد] گفت: «اگر این زینت جام جمع است، و این خال هم موجب کشته شدن شاهزاده‌ی چین (= فرهاد) است، سرت را بردار، من شیرینم، و به سودای زخمت دلم آتش گرفته است. از پس فرهاد من حالم چنین است. کی می‌داند قیمت خالم چند است؟! برای چه کسی خالم را زینت دهم؟! و چه کسی برایم جامه‌ی خانه به دوشان را بپوشد؟! من که فرهاد را چنین غرقه به خون دیدم، خسرو به جهنم! تخت و بخت [او] به جهنم!» همینطور برای فرهاد شیون و زاری کرد و درد و محنت او بر دلش اثر کرد. شراره‌ی خون سرخ‌رنگ او (اشک خونینش) از چهره‌ی زرد لیمو‌گونش سرازیر شد و یقه‌ی خویش را پاره کرد و با قیچی پیشانیش را پاره کرد. گفت: «هی غریب! بی‌خویشاوند و تنها! شاهزاده‌ی محبوب! ای که دلت مانند شیشه پاک است! هان! ای نتیجه‌ی خاقان چین! برای چی سر تا پا غرق به خونی؟! ای بی‌نام و نشان، ای غلطان خونم! که از بی‌کسی در پای بیستون مُردی! فدای نامت شوم، دلدار دیرینه... ای شاهزاده‌ی چینم، دادخواهم برای تو، صد جان شیرین به قربان تو! کدام کافر این دام را در راهت کند؟! برای چی کارت نیمه‌کاره ماند؟! مگر تو نمی‌دانی خسرو با افسون و نیرنگ به قصد سرنگونیت بود؟! مرگ برای

من بهتر است ای همراز دردم! تو را چنین از زادگاهت آورده کردم. تو برای من تخت شاهی را رها کردی. تو برای من راه بیستون را کندی. یه شرط من برای تو چقدر بود؟! از پس تو من چندان نخواهم زیست. شرط شد که رخت و لباس خویش را پاره کنم. شرط شد که خودم را با تیغ الماسی خلاص کنم. (این بیتها در شیرین و فه رهاد میرزا شفیع پاوه‌یی (ص ۴۷۸) هم آمده، اگرچه تفاوت‌هایی بین بیتهای این دو منظومه وجود دارد، ولی بیشتر بیتها در این بخش یکسان اند).

۷. تنها نکته ای که پرسش بر انگیز است، این است که مرحوم بابا مردوخ روحانی و سیده‌ی محمد حسینی تاریخ تولد میرزا شفیع را ۱۳۲۰ ه.ق. دانسته اند، در حالی که خود شاعر در هیمن منظومه شیرین و فه رهاد گفته: «تاریخ گوفتار به نده‌ی مه‌ینه ت بار/ هه زار و یه کسه دهه شتاد و چه هار» (پاوه‌یی، ۱۳۸۳: ۹۲) که اگر اشتباه کاتب نباشد، تاریخ تولد شاعر چند دهه به عقب می‌رود.

۸. نگارنده یکی از روایتها را از کریم جوانمیری، پیرمردی از روستاهای اطراف سنندج شنیده که کاملاً با روایت میرزا شفیع پاوه‌یی تا نیمه داستان که فرهاد خود را می‌کشد تطابق دارد و این مسئله نشان می‌دهد که روایت‌های عامیانه‌ی شیرین و فرهاد در مناطق غرب ایران (به ویژه در منطقه‌ی هورامان و اطراف آن) رواج داشته و دارد و به احتمال زیاد میرزا شفیع نیز از این منابع شفاهی عامیانه در سرایش منظومه شیرین و فرهاد خود استفاده کرده است.

۹. کندوله از ده‌های بخش بیل‌وار، شهرستان کرمانشاه است.

۱۰. گرا: راهدار خسرو پرویز که سیه چرده و حبشی بوده، در شیرین و فرهاد میرزا شفیع هم شخصیت او آمده و بسیار منفی و زشت توصیف شده است.

۱۱. شاعر این منظومه در پایان آن چنین سروده: «رنجمان مدن و یاد با جوش [؟] / الماس ژ خاطر مکر فراموش» (برگ ۲۱۳ نسخه‌ی خطی دانشگاه تهران)

www.aghabozorg.ir . ۱۲

۱۳. «بیار ای ویس جام خسروانی / درو می چون رخانت ارغوانی چو از دست تو گیرم جام مستی / مرا مستی نیارد هیچ سستی ندانم مست چون گشتم به کامت / ز رویت یاز مه‌رت یاز جامت ...» (فخرالدین اسد گرگانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷)؛ «بیار ای ماه جام نوش گلگون / چو رویت لعل چون وصلت همایون نه خوشتر زین بُودمان روزگاری / نه نیکوتر ز رویت نوبهاری ...» (همان: ۱۹۱)

۱۴. صفی زاده در این بخش «هرچی» به کار برده اند که بهتر است «هراندازه»
معنی کنیم زیرا در کُردی در این معنی به کار می رود.

۱۵. Syllabi poem / quantitative (وزن هجایی / وزن کَمّی)

۱۶. برای مثال درباره‌ی وزن شعر در زبان کُردی آثار ادبی - مدعی یزیدیان نک.

۱۷. Iranica ۹. Philip G. Kreyenbroek & Khalil Jindy Rashow. God
and Sheikh Adi are perfect, Sacred Poems and Religious Narratives from
the Yezidi Tradition, Harrasowitz Verlag, p. ۵۳

۱۸. از جمله قسمت اعظم اشعار سید یعقوب ماهیدشتی و سید صالح ماهیدشتی
(حیرانعلی شاه)

منابع

- احمدنژاد، کامل (۱۳۷۵). تحلیل آثار نظامی گنجوی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی پایا.
- الماس (بی‌تا). شیرین و فرهاد، نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۴۷۷۲.
- [الماس] (بی‌تا). شیرین و فرهاد، نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی مجلس، به شماره‌ی ۵۸۰.
- پاوه‌ای، شفیع (۱۳۸۳). شیرین و فرهاد، تصحیح و بازنویسی سید محمد حسینی، تهران: توگلی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- خانای قبادی (۱۳۶۹). خسرو و شیرین خانای قبادی، ویراسته‌ی صدیق زاده (بورکه‌یی)، تهران: حیدری.
- خانی، احمد (۱۹۶۲). مم و زین، تصحیح و ترجمه و مقدمه م. ب. رودنکو، مسکو: نشر خانای ادبیات روهلاتی (نشر خانه‌ی ادبیات خاور).
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره‌ی دست نوشته‌های ایران، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۲ ج.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱). کتابشناسی نظامی گنجوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریپکا، یان (۱۳۷۹). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، [بی‌جا] انتشارات گوتنبرگ و جاویدان خرد.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). پیر گنججه در جستجوی ناکجا آباد، تهران: سخن.
- صفی زاده بورکه‌یی، صدیق (۱۳۸۰). دایره‌المعارف کردی، تهران: پلیکان.
- صفی زاده بورکه‌یی، صدیق (۱۳۸۷). اهل حق، پیران و مشاهیر، تهران: حروفیه.
- شالیان، ژرار (۱۳۸۵). گنجینه‌ی حماسه‌های جهان، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه
- فخرالدین اسد گرگانی (۱۳۸۶). ویس و رامین، مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: صدای معاصر

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). شاهنامه‌ی فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

کندوله‌ای، الماس خان (۱۳۷۳). شیرین و فرهاد، تصحیح و مقابله و شرح احوال امین گجری (شاهو)، قم: سینا.

مردوخ روحانی، بابا (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر کرد، تهران: سروش.

نظامی، الیاس (۱۳۸۵). خمسه‌ی نظامی، بر اساس چاپ مسکو باکو، تهران:

هرمس

